

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده : علی کاظمی

۱۴۰۸.۱۰

تفسیرهای خبری

پنجشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۸۹

افزایش نرخ بیکاری

به اساس گزارش خبرگزاری مهر و بنابر آمارهای دولتی، نرخ بیکاری در بهار سال ۸۹ با سه و نیم درصد افزایش به ۱۴/۵ درصد رسیده است. پیش از این یکی از معاونان وزارت کار نیز از نرخ بیکاری ۱۴/۵ درصدی صحبت به میان آورده بود. این در حالی است که مقامات دولتی پیش از این ادعای کاهش نرخ بیکاری را داشتند.

به اساس گزارش خبرگزاری دولتی مهر هر ساله حداقل ۹۰۰ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند که برنامه‌ریزی روشنی برای جذب این تعداد به بازار کار وجود ندارد. گزارش فوق ضمن تردید در نرخ بیکاری اعلام شده می‌افزاید: "گفته می‌شود نرخ بیکاری فعلی به مراتب بالاتر از ۱۴/۵ درصد اعلام شده است به نحوی که با وجود ۴ میلیون نفر بیکار، نرخ بیکاری برخی استانها از ۱۸ درصد نیز بالاتر است."

در ادامه این گزارش آمده: "برآورد شده است که نرخ بیکاری جمعیت فعال بین سنین ۱۵ تا ۴۰ سال کشور هم اکنون بیش از ۲۵ درصد است، همچنین موضوع مربوط به نرخ بیکاری حداقل ۲۵ درصدی ۳ میلیون فارغ التحصیل کشور نیز مشکلی است که دولت موظف به برنامه ریزی برای حل آن است."

این خبرگزاری هم چنین در گزارش دیگری به موضوع بیکارسازی و اخراج کارگران پرداخته است. در بخشی از این گزارش آمده است: "کابوس اخراج‌های دسته جمعی تبدیل به کابوس بسیاری از کارگران ایرانی شده است. بسیاری از کارگران صنایع کوچک مانند چرمسازی، کارگاه‌های نساجی و صنایع سنگین در چند سال گذشته شغل خود را به صورت دسته جمعی از دست داده اند."

اخراج ۷۰۰ کارگر نوشابه‌سازی ساسان، ۲۵۰۰ کارگر در کارگاه‌های تولید کفش اصفهان، ۴۰۰۰ کارگر مشغول به کار در واحدهای بسته بندی خرما در خوزستان، اخراج کارگران کارخانه سامان، مخابرات سقز، ایران صدرای بوشهر، لوله سازی اهواز، ایران تفال ساوه، کشت و صنعت شمال، پایا هوایار و شرکت تولید نوشابه خرمنوش خرمشهر همگی نمونه‌هایی از این معضل اقتصادی هستند.

موتورن، تراکتورسازی تبریز و کبریت سازی هم به دلیل مشکلات مالی و بدهی‌های سنگین به بانک‌ها و پیمانکاران مجبور به کم کردن نیروی کار و اخراج کارکنان خود شدند.

اعتراف خبرگزاری مهر و نیز مقامات دولتی به افزایش بیکاری و نیز اخراج وسیع کارگران تنها گوشه‌ای از وضعیت ناهنجار کارگران و بیکاران جامعه است.

بی حقوقی و صنف‌پذیر کارگران و زحمتکشان جامعه که نتیجه سیاست‌های سرکوب‌گرانه حاکمیت اسلامی است، نتیجه‌اش چیزی نیست جز گرسنگی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان. موضوع این است که وضعیت سیاسی کنونی جامعه با وضعیت معیشتی مردم پیوندی بسیار عمیق دارد.

وقتی کارگران امکان تشکل یابی ندارند، وقتی که قوانین به نفع طبقه سرمایه‌دار تنظیم می‌گردد، نتیجه‌اش آیا جز بهره‌برداری سرمایه‌دار از وضعیت کنونی می‌تواند باشد؟

وقتی هم که کارگران اعتراض می‌کنند و یا اقدام به ایجاد تشکل می‌نمایند با هزاران مانع و یا سرکوب نیروهای امنیتی روبرو می‌گردند.

بیکاری وسیع یکی از معضلات کارگران و زحمتکشان است. بیکاری به صورت مستقیم و غیر مستقیم زندگی آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. مستقیم از این رو که بیکاری یک کارگر به معنای نداشتن هر گونه درآمدی برای تأمین معاش وی و خانواده‌اش است و غیر مستقیم از این رو که سرمایه‌داران با سوءاستفاده از بیکاری کارگران به حقوق آن‌ها تهاجم کرده و دستمزد و مزایای آن‌ها را به بهانه‌ها و اشکال گوناگون کاهش می‌دهند.

امروزه شاهدیم که چگونه و در حالی که حداقل دستمزدهای تعیین شده برای یک کارگر بر طبق قانون حکومتی کمتر از حتا یک چهارم هزینه‌های واقعی یک کارگر برای رها شدن از خط فقر است، در بسیاری از کارگاه‌ها و مراکز خدماتی هم چون فروشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و غیره حتا همان حداقل‌ها نیز به کارگران و سایر زحمتکشان پرداخت نمی‌شود.

استثمار زنان و کودکان کار یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های شدت استثمار وحشیانه کارگران توسط سرمایه‌داران است.

تلاش حاکمیت اسلامی برای تحمیل حجاب به دانشجویان

جلیل دارا، مدیر کل امور فرهنگی وزارت علوم در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دولتی مهر در ارتباط با برنامه‌های حاکمیت برای تحمیل حجاب به دانشجویان گفت: "با برنامه‌هایی که امسال در این زمینه انجام شد بحث عفاف و حجاب را از آغاز سال تحصیلی جدید در دانشگاه‌ها به طور جدی‌تر پیگیری خواهیم کرد."

وی ادامه داد: "از زمانی که بحث عفاف و حجاب و پوشش در جامعه دانشگاهی کشور به شکل جدی مطرح شد کمیته‌هایی تشکیل شد که این موضوع پیگیری شود." وی هم چنین از انتشار و توزیع کتابچه‌هایی در ارتباط با این موضوع در دانشگاه‌ها خبر داد.

طرح موضوع حجاب در دانشگاه‌ها از سوی حاکمیت و به هنگامی که جنبش دانشجویی نقش بسزائی در اعتراضات خیابانی سال گذشته داشته همسو با سایر طرح‌هایی است که حاکمیت برای سرکوب دانشگاه‌ها در دستور کار خود قرار داده است.

حاکمیت می‌خواهد با تحمیل حجاب به دانشجویان آن‌ها را در همان قدم اول منکوب کرده و قدرت سرکوب خود را این بار به بهانه حجاب به رخ دانشجویان بکشد تا بدین ترتیب دانشجویان را از وارد شدن به عرصه‌ها و خواست‌های بالاتر بازدارد.

حاکمیت سعی دارد با تحمیل حجاب به دانشجویان به عنوان نماد حکومت اسلامی و قدرت خود، حاکمیت خود یعنی حاکمیت سرکوب و خفقان را در دانشگاه‌ها برقرار سازد. از همین روست که مبارزه با حجاب اجباری روز به روز اهمیت بیشتری یافته است.

اما آیا حاکمیت خواهد توانست در این راه به موفقیت دست یابد؟ تحلیل اوضاع سیاسی و اقتصادی جامعه به هر حال یک چیز را به ما اثبات می‌کند و آن این است که حاکمیت امروز نه فقط قدرت‌مندتر از سال قبل نیست که ضعیف‌تر و توخالی‌تر نیز شده است. شکاف در میان بالائی‌ها عمیق‌تر شده است. ناتوانی مدیریتی و ندانم کاری از جمله نتایج بحران در میان بالائی‌هاست که دیگر امکان حکومت کردن به شکل سابق را ندارند. از سوی دیگر جنبش دانشجویی نیز به نوبه خود اثبات کرده است که از قدرت سازماندهی و مبارزاتی کم‌همتانی برخوردار است که در هم شکستن آن برای دشمنانش بسیار مشکل می‌باشد.

درگیری مشائی با روحانیون و نظامیان، نمایش یا واقعیت

در روزهای اخیر و پس از سخنان رحیم اسفندیار مشائی مشاور احمدی‌نژاد که اغلب از او به عنوان دست راست وی نام برده می‌شود، در ارتباط با "مکتب ایرانی" موجی از اختلافات و تهمت‌ها مقامات حکومتی را در بر گرفت. دعوا از آنجا شروع شد که همایشی از تعدادی ایرانیان خارج از کشور و با هزینه‌های سرسام‌آور در تهران برگزار شد که مشائی مسؤول اصلی آن بود و البته این همایش منجر به بروز اختلافاتی در میان مقامات حکومتی از جمله وی و روزنامه کیهان گردید.

اما با سخنرانی مشائی در ارتباط با "مکتب ایرانی" در برابر "مکتب اسلامی" این اختلافات به اوج خود رسید تا جایی که حتا مصباح یزدی که از آن به عنوان حامی اصلی احمدی‌نژاد در میان آخوندها نام برده می‌شود حمله شدیدی به سخنان وی کرده و آن را خائنانه خواند.

اما در این میان مشائی نه تنها از سخنان خود کوتاه نیامد که روز دوشنبه و در به اصطلاح همایش خبرنگاران حوزه زن و خانواده بار دیگر سخنانی شبیه آن چه که در همایش ایرانیان خارج از کشور گفته بود بر زبان آورد. وی این بار ضمن بیان مطالبی در رابطه با انسان و خدا و این که انسان قرار است در جای خدا بنشیند و جانشین خدا شود، گفت: "بدون نام ایران اسلام گم می‌شود". وی هم چنین در سخنانی در جمع مدیران و سردبیران خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی که خود مسؤول اصلی آن است اعلام کرد که به دلیل اظهارات سرلشکر فیروزآبادی از وی به مراجع قضائی شکایت خواهد کرد.

وی هم چنین در سخنانی در جمع تعدادی به اصطلاح دانشجو، بار دیگر بر سخنان خود تأکید کرده و مخالفین خود را به غفلت متهم کرد.

اتفاقات روزهای اخیر و درگیری در میان دوستان سابق نه تنها جنگ زرگری و نمایش نیست که یک واقعیت است. پس از اوج‌گیری اختلاف بین دولت، مجلس و قوه قضائیه این بار شاهد تشدید تضاد در بین حلقه اصلی دولت و نظامیان و روحانیون اطراف آن هستیم. تضادی که بیش از هر چیز نشانه عمق و شدت بحرانی‌ست که حاکمیت در تمامی عرصه‌های سیاست داخلی، خارجی، اقتصادی و اجتماعی با آن درگیر می‌باشد.